

تاثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان

(نمونه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران)*

رضا اکبری**، سمانه پاک‌بنیان^۱

^۱عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
^۲دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۲۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۱۰)

چکیده

امنیت از مهم‌ترین توقعات برای زندگی مطلوب در شهرهاست و جنسیت از مهم‌ترین عامل شخصیتی در درک امنیت؛ و احساس امنیت اجتماعی از مولفه‌های سرزندگی فضاهای عمومی محسوب می‌شود. فقدان احساس امنیت زنان در فضاهای باز عمومی شهرها بالاخص محلات مسکونی موجب کاهش سرزندگی در این مکان‌ها می‌شود. در این پژوهش با سنجش احساس امنیت زنان در دو نمونه موردی، فضاهایی که زنان ساکن در محله نارمک و شهرک اکباتان به ترتیب بیشترین و کمترین احساس امنیت را از حضور در آنها داشتند، انتخاب شده و براساس معیارهای کالبدی منتخب از بررسی‌های نظری شامل اندازه فضا، فرم فضا، آسایش بصری و آسایش محیطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی در قالب این معیارها؛ در محله نارمک از عوامل بسیار موثر در بالا بودن احساس امنیت در فضاهای این محله است و در مقابل این ویژگی‌ها در شهرک اکباتان زمینه احساس ناامنی در فضاهای جمعی را مهیا نموده است. از طرف دیگر، تفاوت الگوهای این دو مجموعه به سبب ایجاد ویژگی‌های کالبدی متفاوت تا حدودی بر تفاوت احساس امنیت در فضاهای آنها موثر بوده است ولی نمی‌توان ادعا کرد که بلند مرتبه بودن یک مجموعه مسکونی دلیل بر کاهش احساس امنیت در فضاهای آن مجموعه است، بلکه به نظر می‌رسد بلندمرتبه بودن، پتانسیل‌هایی برای کاهش احساس امنیت در مجموعه‌های مسکونی فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی

کالبد فضاهای عمومی، احساس امنیت زنان، الگوی بلندمرتبه، الگوی متعارف.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی شهرسازی نگارنده دوم با عنوان «بررسی تاثیر ویژگی‌های کالبدی فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی» که به راهنمایی نگارنده اول در دانشگاه یزد انجام شده است
** نویسنده مسئول، تلفن: ۰۹۱۲۲۲۴۲۷۹۴، نمابر: ۰۲۵۱-۶۲۲۸۸۳۳، E-mail: r_akbari@yazd.ac.ir

مقدمه

عمومی و احساس امنیت اجتماعی در دو مجموعه مسکونی با الگوهای متفاوت و با بهره‌گیری از رهنمودهای شهرسازانه، به ارائه ضوابط کالبدی جهت ارتقای حس امنیت اجتماعی در فضاهای جمعی محیط‌های مسکونی بپردازد، به نحوی که با تحدید فرصت‌های مکانی برای کاهش احساس امنیت اجتماعی، موجبات حضور هر چه بیشتر زنان را در فضاهای جمعی فراهم کرده و سبب ارتقای پویایی و سرزندگی در فضاهای باز عمومی مجموعه‌های مسکونی گردد.

وجود محیطی امن برای زندگی در کنار سایر نیازهای اساسی فیزیولوژیکی انسان مانند غذا، سرپناه و بهداشت از ضروریات زندگی انسان است. ارضا نشدن نیاز به امنیت انسان در فضاهای جمعی، نه تنها او را از رسیدن به نیازهای رده بالاتر همچون خودشکوفایی، زیباشناختی، دانستن و فهمیدن باز می‌دارد، بلکه کاهش تعاملات اجتماعی و در نهایت خالی ماندن فضاهای عمومی را در پی دارد. این مقاله سعی بر آن دارد تا با بررسی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی فضاهای

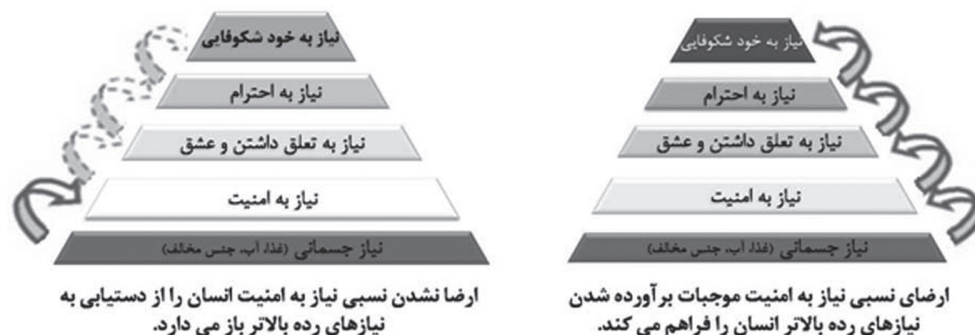
۱- مفهوم امنیت اجتماعی در ارتباط با ویژگی‌های کالبدی فضای شهری با تاکید بر امنیت زنان

تشکیل شده که جنبه عینی و بیرونی آن همان ایمنی و جنبه ذهنی و درونی آن احساس امنیت نام دارد (کارگر، ۱۳۸۳، ۳۶). به عبارت دیگر منظور از احساس امنیت اجتماعی زنان، حالات درونی و جنبه ذهنی از امنیت است که زنان در ارتباط با دیگر افراد جامعه و در فضاهای عمومی شهر احساس می‌کنند.

منظور از جرایم شهری، جرایمی است که در فضاهای عمومی شهری، یا مکان‌هایی که احتمال سرایت جرم از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی وجود دارد صورت می‌گیرد. ویژگی دیگر جرایم شهری این است که ناآشنا بودن افراد نسبت به هم منجر به تشدید آنها می‌شود. وقتی افراد نسبت به هم شناخت حاصل کرده باشند، دیگر نمی‌توانند در فضاهای عمومی به ارتکاب جرم بپردازند و این کار را فقط در فضاهای خصوصی یا فضاهای خاص انجام می‌دهند (علی آبادی، ۱۳۸۵، ۷).

دو عنصر اساسی در طراحی شهرها، فضا و توده‌ی ساختمانی هستند. فضا به اندازه‌ی توده‌ی ساختمانی، نیروی سازمان‌دهنده‌ی بااهمیتی در شهرها محسوب می‌شود و نباید آن را محدودهای به جا مانده از ساخت و ساز بناها دانست. به عبارت دیگر، فضا مجموعه‌ای از روابط میان مردم و مردم، اشیا و مردم و اشیا و اشیا است (Rapoport, 1977, 68). فضا بر اساس تعاملات اجتماعی صورت گرفته در آن به سه دسته فضاهای عمومی، نیمه عمومی/نیمه خصوصی و خصوصی تقسیم می‌شود. از این میان فضاهای عمومی به فضایی اطلاق می‌شود که دسترسی به آن برای همه‌ی اعضای جامعه امکان‌پذیر است، اما فرد در انجام

امنیت به معنای «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، ترس یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش و اعتماد» است (ساروخانی، نویدنیا، ۱۳۸۵، ۸۸) و محصول برقراری نظم در جامعه است که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسان بیان شده و هم ردیف آزادی قرار گرفته است (صالحی، ۱۳۸۷، ۲۰-۲۲). نیاز به امنیت همواره از نیازهای اساسی انسان بوده که بر اساس طبقه‌بندی مازلو (A.H. Maslow, 1943) در رتبه‌ی دوم و بعد از نیازهای جسمانی و زیستی قرار دارد (نمودار ۱) و در صورت برآورده نشدن نسبی این نیاز، نیازهای رده‌ی بالاتر انسان مانند نیاز به عشق، نیاز به احترام به طور نسبی برآورده نشده و انسان از دستیابی به بالاترین نیاز خود که خودشکوفایی است باز می‌ماند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۳۳). امنیت از سه لایه‌ی اصلی و متکامل تشکیل شده است که عبارتند از: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی. در این پژوهش منظور از امنیت، همان امنیت اجتماعی است؛ حالت فراغت همگانی از تهدیدی که رفتار غیرقانونی یک فرد (جرم) ممکن است در تمامی یا در بخشی از یک جامعه پدید آورد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵، ۸۹). برخی صاحب‌نظران معتقدند امنیت از دو جنبه عینی و ذهنی



نمودار ۱ - جایگاه نیاز به امنیت در سلسله مراتب نیازهای مازلو و تاثیر عدم ارضای این نیاز بر سایر نیازهای انسان.

ماخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۱ براساس Maslow's Hierarchy of Needs)

یافته‌های پژوهشی^۲، نشان می‌دهد اکثریت زنان (بیش از ۸۰٪) از حضور در فضاهای عمومی احساس امنیت کافی ندارند و در میان عوامل موثر در کاهش احساس امنیت زنان، ویژگی‌های فیزیکی فضاهای شهری از مواردی است که تأثیر بسزایی بر کاهش احساس امنیت زنان دارد (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵، ۱۱۱-۱۱۲).

از آن جایی که امنیت اجتماعی در زمره عوامل اجتماعی تأثیرگذار کلان بر سرزندگی فضاهای شهری^۳ بوده و گلکار نیز در پژوهشی^۴، سرزندگی را به همراه ۱۶ کیفیت دیگر که ایمنی و امنیت یکی از آنهاست آفریننده‌ی کیفیت طراحی شهری می‌داند؛ با جمع بندی مطالب گفته شده می‌توان ادعا کرد اگر در نتیجه‌ی فرایند طراحی شهری، فضایی با ویژگی‌های کالبدی مناسب و درخور فضای شهری امن و قابل دفاع خلق نشود، استفاده‌کنندگان از این فضاها و به طور اخص زنان همواره در این فضاها ترس از وقوع جرم داشته و احساس امنیت کافی برای حضور در این فضاها ندارند. این عدم حضور زنان در فضاهای باز عمومی محلات مسکونی علاوه بر کاهش سرزندگی فضاهای عمومی و اختلال در کیفیت طراحی شهری، موجبات کاهش نظارت اجتماعی و در پی آن افزایش موقعیت‌های مجرمانه در این فضاها را فراهم و در نهایت ناامنی هرچه بیشتر این فضاها را در پی خواهد داشت.

۲- پیشینه نظری پیشگیری از جرایم و ارتقای امنیت اجتماعی از طریق طراحی محیطی

زمینه‌ی نظری شروع مباحث جرم شناسی شهری را باید از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و مطالعات اولیه‌ی اکولوژی شهری دانست. مکتب اکولوژی شهری با افرادی چون پارک^۵ در سیر تکوینی خود به بررسی پدیده‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت امراض روانی در شهرها و ترسیم نقشه‌های آن پرداخت (Cat-1993, 23 ton). در سال ۱۹۶۱ جین جیکوبز^۶ موضوع وحشی‌گری خیابانی را مورد بررسی قرار داد. او معتقد بود مشکل عدم امنیت بسیاری از نقاط شهرها، گروه‌های جمعیتی بزهکار یا فقیر نیست بلکه آنها به عنوان یک نقطه‌ی شهری، از نظر فیزیکی قادر به اعمال امنیت و سرزندگی ناشی از آن نیستند (جیکوبز، ۱۳۸۶، ۳۲-۲۹). برطبق نظریه چشمان خیابان^۷ جیکوبز، از مهم‌ترین مولفه‌های برقراری احساس امنیت در خیابان‌های شهری گشوده‌بودن چشم‌هایی رو به خیابان (قرارگیری ساختمان‌ها رو به خیابان) است.

مقالات پژوهشی و تلاش‌های فراوان جیکوبز و جفری^۸ در دهه‌ی ۱۹۷۰-۱۹۶۰ مسبب شکل‌گیری و توسعه‌ی نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)^۹ شد. این نظریه یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که براساس آن با بکارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان‌ساخت،

اعمالش آزادی کامل نداشته و هنجارهای جامعه‌اش را در نظر می‌گیرد (همان، ۲۸۹).

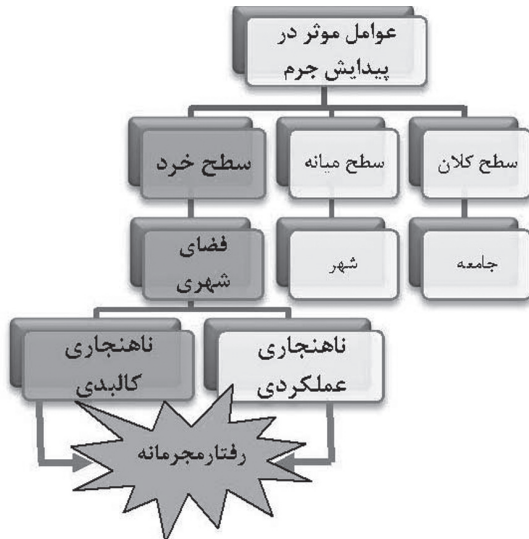
هر فضای عمومی توسط عناصر محدودکننده و مستقر در آن قابل شناسایی است و شخصیت آن تابع چگونگی و نظم حاکم بین این عناصر است. مراد از کالبد فضای عمومی در این پژوهش همان عناصر و اجزای کالبدی تشکیل‌دهنده‌ی فضاهای عمومی باز می‌باشد که عبارتند از: کف، بدنه، سقف و عناصر مستقر در فضا (اثاثه شهری و پوشش گیاهی) و از آن جایی که هدف طراحی شهری تبدیل نیازهای فضایی - رفتاری مردم (از جمله نیاز به امنیت) به فضای کالبدی مناسب است (بحرینی، ۱۳۸۶، ۴۹)؛ کالبد فضاهای باز عمومی به عنوان یکی از مهم‌ترین محصولات طراحی شهری باید بتواند نیازها و توقعات استفاده‌کنندگان را برآورده‌کند و در صورتی که نتیجه‌ی کار طراحی شهری نتواند نیاز به امنیت استفاده‌کنندگان از فضاها را ارضا کند، فضاهایی در شهر خلق می‌شوند که مردم در آنها احساس امنیت نمی‌کنند و زمینه بروز رفتارهای ناپهناجر و جرایم شهری فراهم می‌شود. برخی محققان معتقدند همانطور که میان ترس و خطر تفاوت وجود دارد، باید میان احساس امنیت و امنیت نیز تفاوت قایل شد. زیرا بالا بودن آمار جرایم در فضاهای شهری، حاکی از پایین بودن امنیت در آنهاست، اما نمی‌توان نتیجه گرفت که احساس امنیت نیز در این فضاها پایین باشد؛ به طور مثال فضاهایی نظیر ناصرخسرو در تهران محل وقوع بیشترین جرایم در آمارهای نیروی انتظامی است و دارای سطح پایینی از امنیت است، اما به دلیل حضور فعال مردم، تنوع فعالیت‌ها و دسترسی کالبدی بالایی که دارد، از احساس امنیت مناسبی برای استفاده‌کنندگان از آن برخوردار است (مدیری، ۱۳۸۵، ۲۶).

عوامل زیادی برای عکس‌العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارد که برخی از این عوامل از جمله جنسیت، سن، تجربه‌های گذشته در مورد جرم، محیط و جغرافیا، قومیت و فرهنگ نقش بیشتری دارند اما جنسیت به عنوان مهم‌ترین عامل شخصیتی در درک امنیت محسوب می‌شود. حس امنیت در مورد مردان و زنان متفاوت است اما عموماً زنان ترس بیشتری احساس می‌کنند و مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند (Howard, 1999, 219). استانکو^{۱۰} معتقد است که به طور ثابتی ترس از جرم در زنان سه برابر مردان است. دلایل این امر عبارتند از:

- زنان به لحاظ جسمانی توان کمتری در دفاع از خود دارند.
- نگهداری و حفاظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد ترس از جرم می‌سازد.
- زنان کنترل کمتری بر محیط‌های خصوصی‌شان دارند، از این رو بیشتر می‌ترسند.
- زنان نسبت به سایر انواع آسیب‌ها بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند از این رو به خطراتی که با آن مواجه می‌شوند، عکس‌العمل و آفرایانه‌ای نشان می‌دهند.
- سطح ترس زنان معقول است اما مردان تمایل دارند ترس‌های خود را طبیعی جلوه دهند. (Stanko, 1992, 127)

شده‌اند. برخی از مولفه‌های کالبدی موثر بر احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری عبارتند از:

نخست - اندازه و فرم فضا: این مولفه خود از دو معیار اندازه‌ی فضا و فرم فضا تشکیل می‌شود که به ترتیب تشریح می‌شوند:



نمودار ۲- جایگاه ناهنجاری‌های کالبدی در عوامل موثر در پیدایش جرم در فضای شهری.
ماخذ: (صالحی، ۱۳۸۷)

الف- معیار اندازه‌ی فضا: این معیار در بردارنده شاخص‌های مقیاس فضا و احساس ازدحام است. از نظر مامفورد^{۱۸} برای برقراری روابط اجتماعی در فضای شهری، محدودیت در اندازه فضا و تراکم جمعیت ضروری می‌باشد و بنابر نظر کالینز^{۱۹} در میدان‌های عظیم شهری مردم دچار اضطراب می‌شوند که به بیماری ترس از فضای باز شهرت دارد. در نهایت بیان می‌شود که هرچه اندازه‌ی فضا بزرگ‌تر باشد، احتمال وقوع رفتارهای آنومیک در فضا افزایش می‌یابد (تولایی، ۱۳۷۹، ۱۹-۱۱).

ب - معیار فرم فضا: این معیار در بردارنده شاخص قابلیت نمایانی فرم فضا است. بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد درحین ارتکاب به جرم دیده شود؛ عدم رویت بصری ناشی از فرم فضا، شرایط بسیار مناسبی برای اهداف و رفتارهای بزهکاران و خلافکاران فراهم می‌سازد. ساختار فیزیکی فضا یا فرم فضا نقش انکارناپذیری در چگونگی ایجاد فضاهای بدون دفاع دارد (علی آبادی، ۱۳۸۱، ۸). سطوح و عناصر عمودی، فضای برآمده و محیط آن، سطوح کف فرورفته، کنج‌ها، سطوح L و U شکل و... به دلیل عدم رویت بصری به مکان‌هایی تبدیل می‌شوند که طیف وسیعی از ناهنجاری‌ها را پذیرا بوده و از موارد کاهنده قابلیت نمایانی در فضا هستند (پودراتچی، ۱۳۷۳، ۹۵ و ۲۳۲).

دوم - آسایش بصری و محیطی: همبستگی آماری میان فراوانی وقوع جرایم و رفتارهای غیرمتعارف با مکان‌های آلوده بیانگر آنست که آسایش بصری و محیطی از مولفه‌های مهم و اساسی محیط‌های شهری امن محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۷، ۱۶۳). انواع آلودگی‌ها در فضاهای شهری که می‌تواند موجب

معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی^۱ را بهبود بخشند (Altas, 1999, 11). به وسیله پنج اصل قلمرو، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، حمایت از فعالیت و تعمیر و نگهداری، CPTED در محیط اعمال می‌شود (ایرمنش، ۱۳۸۴، ۱۶-۱۸). با مطرح شدن نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، الیزابت وود^{۱۱} و اسکلامو انجل^{۱۲} از جمله کسانی بودند که به حمایت از آن پرداختند. انجل اعتقاد داشت که با مشخص کردن حدود مالکیت، کاهش یا افزایش دسترسی به محل و نیز بالابردن نظارت شهروندان از طریق محیط کالبدی، می‌توان در کاهش جرایم تاثیر مستقیم اعمال نمود (Robinson, 1996, 15). نوع دیگری از پیشگیری از جرم را کلارک^{۱۳} در سال ۱۹۹۲ مطرح کرد که پیشگیری وضعی از جرم^{۱۴} نام دارد و با عقاید اسکار نیومن سازگاری زیادی دارد (حشمتی، ۱۳۸۴، ۸۶). او معتقد بود با تقسیم بخش‌های بزرگ فضاهای عمومی و واگذار نمودن آنها به تک تک افراد و گروه‌های کوچک، می‌توان فضا را به وسیله‌ی مردم کنترل نمود (نیومن، ۱۳۸۷، ۳۳ - ۳۰). در سال ۱۹۸۲ ویلسون و کلینگ^{۱۵} نظریه‌ی پنجره‌های شکسته^{۱۶} را ارائه نمودند. براساس این نظریه، وجود نشانه‌هایی از نبود کنترل و نظارت اجتماعی بر محیط نظیر پنجره‌های شکسته یک ساختمان، وجود زباله و... به مثابه‌ی چراغ سبزی برای مجرمین است. آخرین نسل از نظریه‌پردازان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر روی شرایطی که جرم در آن اتفاق می‌افتد، تکیه کردند. از جمله تایلور و هال^{۱۷} که چهار اصل را برای پیشگیری از آن مطرح کردند: مراقبت و نظارت، حضور شهروندان در فضای شهری، کنترل دسترسی و از بین بردن عامل تحریک‌آمیز (حشمتی، ۱۳۸۴، ۸۶). نتایج بررسی هانشان می‌دهد طراحی شهری می‌تواند از طریق «تغییر در کالبد محیط شهری» مانع از ارتکاب جرم و رفتار مجرمانه شود. طراحی شهری، ابزارهای لازم در این خصوص از قبیل ایجاد موانع و سد کردن موقعیت‌های ارتکاب جرم، دشوار کردن اهداف مجرمانه، تغییر رفتار شهروندان در محیط‌های شهری، از بین بردن مکان اختفا و راه‌های فرار مجرمان در محیط‌های شهری و... را در اختیار داشته به گونه‌ای که مردم را قادر سازد از فضاهای در اختیار خود در شهر به نحو مطلوب استفاده‌کنند (همان، ۸۸).

۳- مولفه‌های کالبدی موثر در احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری

عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در سطح جامعه موجب به وجود آمدن رفتارهای نامتعارف می‌شوند که دارای روابط علت و معلولی هستند و در سه سطح کلان، میانه و خرد مطرح می‌باشند. این عوامل در سطح خرد در بردارنده عوامل موثر بر ایجاد رفتارهای مجرمانه در فضاهای شهری هستند که از جمله مهم‌ترین آنان عوامل محیطی است (نمودار ۲). در این پژوهش ناهنجاری‌های کالبدی موثر در ایجاد موقعیت‌های مجرمانه از میان ویژگی‌های محیطی برگزیده

نرده‌های کوتاه و ... به تعریف مالکیت در فضا پرداخت تا از این طریق افزایش نظارت مردم بر فضاهایشان صورت گیرد.

۴- چارچوب نظری و روش پژوهش

از مهم‌ترین بخش‌های هر شهر که محل بروز تعاملات اجتماعی شهروندان و محمل جریان زندگی شهری است، فضاهای عمومی است. یکی از شرایط حضور مردم در این فضاها، تامین احساس امنیت آنها می‌باشد. ناهنجاری‌های کالبدی از جمله عوامل موثر بر کاهش احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی است. برای سنجش میزان متغیر وابسته پژوهش یعنی احساس امنیت در جامعه‌ی آماری پژوهش (ساکنین زن هر دو نمونه‌موردی نارمک و اکباتان)، از ابزار پرسشنامه براساس سه شاخص اصلی عدم وجود آزار بصری، عدم وجود آزار لسانی و عدم وجود آزار فیزیکی استفاده می‌شود.

هدف از پرسشگری در این پژوهش، سنجش میزان احساس امنیت زنان ساکن در محله نارمک و شهرک اکباتان در فضاهای جمعی هر دو مجموعه بوده است. پس از تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مربوط به احساس امنیت در فضاها استخراج گردید و براساس شاخص‌های کالبدی برآمده از مبانی نظری، چکلیستی از اجزای کالبدی گوناگون فضای عمومی (شامل بدنه، کف و عناصر مستقر در فضا) تنظیم و با ثبت مشاهدات نگارندگان در فضاهای منتخب تکمیل گردید. در نهایت با مقایسه میان ویژگی‌های کالبدی فضاهای بررسی شده در نارمک و اکباتان، به شناسایی علل کالبدی تفاوت احساس امنیت در این دو مجموعه پرداخته شد و تأثیر آنها از الگوی متفاوت دو مجموعه مورد تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است تمامی مولفه‌های مذکور در فضاهای عمومی نمونه‌های موردی، بررسی و تحلیل شده‌اند که در این مقاله از ارائه نتایج بررسی‌های کالبدی شاخص‌ها در تمامی اجزای فضاهای عمومی اجتناب شده و به بررسی مولفه‌های مهم و تأثیرگذار در دو مجموعه اکتفا شده است. نتایج بررسی‌های پژوهش در فضاهای عمومی نارمک و اکباتان مبین آن است که بیشترین تفاوت در ادراک احساس امنیت زنان در نمونه‌های موردی ناشی از دو مولفه اندازه و فرم فضا و آسایش بصری و محیطی است (جدول ۱).

۵- مطالعه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان

آغاز دهه‌ی ۱۳۲۰، رواج ایده‌کوی و شهرک‌های مسکونی برای اسکان مهاجران و اقشار کم‌درآمد بر پایه‌ی برنامه‌ی اول توسعه است. نارمک به همراه چهارصد دستگاه از جمله این کوی‌ها است. همچنین از دهه‌ی ۱۳۴۰، احداث مجتمع‌های مسکونی برای اقشار میان‌درآمد با مشارکت بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفت که شهرک اکباتان واقع در غرب تهران نمونه‌ای از این مجتمع‌های مسکونی است (عزیزی و ملک محمدنژاد، ۱۳۸۶، ۲۹). در ادامه هر

رفتارهای غیرمتعارف شود به ترتیب زیر است:

الف - آلودگی نمادی: نمادها و علائم یا به عبارت دیگر نشانه‌ها از عوامل مهم تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند و افراد و به خصوص غریبه‌ها از طریق برقراری ارتباط با آنها احساس امنیت می‌کنند. تسهیل در امر تشخیص جهت از نخستین خصوصیات است که باید بر تصویری خوب از محیط مترتب باشد و به نوعی به شخص احساس امنیت در فضا می‌دهد و این درست برخلاف احساس ترسی است که بر شخص مستولی می‌شود (لینچ، ۱۳۷۲، ۹۲).

ب - آلودگی دیداری: اغتشاش بصری در شکل شهر می‌تواند از طریق احساسی و ادراکی بر روی رفتارهای اجتماعی انعکاس یافته و اغتشاش رفتاری (رفتارهای نابهنجار) را در فضای شهری توجیه نماید. بنابراین، آن بخش از فضاهای شهری که واجد تناسب بصری مطلوبی هستند و به عبارت دیگر در آن اغتشاش بصری کمتری وجود دارد، نسبت به سایر فضاها کمتر با اغتشاش‌های رفتاری عجیب می‌شوند (صالحی، ۱۳۸۷، ۱۷۷-۱۶۳).

پ - آلودگی نور: منظور از آلودگی نور، فقدان روشنایی مناسب در فضاهای شهری و عمومی است. سیستم روشنایی خوب خطرات احتمالی اینکه متخلفان ممکن است شناسایی شوند را افزایش می‌دهد و شانس اینکه کسی برای کمک به یک قربانی اقدام کند، افزایش می‌یابد (Wekerle and Whitzman, 1995, 28). کمیت و کیفیت نور از عوامل مهم در تامین روشنایی و موثر بر احساس امنیت شهروندان است. خیره‌شدن چشم (اختلاف زیاد بالاترین و پایین‌ترین میزان روشنایی در میدان دید) از بزرگ‌ترین دشواری‌ها در نورپردازی است و باید لوازم نورپردازی طراحی شود که روشنایی مناسب را بدون خیرگی ایجاد کند. کیفیت نور نیز بستگی به جنبه‌های مختلف که طراحان با آنها نور را کنترل می‌کنند دارد که شامل انواع مختلف وسایل نورپردازی است (وولاند و وینترباتم، ۱۳۸۰، ۱۶۷-۴۲).

ت - آلودگی محیطی: وجود فاضلاب و زباله در محیطها و فضاهای شهری موجب کاهش کیفیت محیط می‌شود که بنابر نظریه پنجره‌های شکسته ویلسون و کلینگ، میان محیط‌های شهری آلوده و افزایش جرایم ارتباط مستقیمی وجود دارد زیرا نشانه نبود کنترل فردی و جمعی در این فضاها بوده و چراغ سبزی برای مجرمین محسوب می‌شود (Perkins, 1993, 29).

سوم - سازمان فضایی و نفوذپذیری: روشنی و وضوح سازمان فضایی و مرزهای قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی (نیمه عمومی) و عمومی از یکدیگر موجب کاهش نفوذپذیری بصری و افزایش نظارت اجتماعی و پیشگیری از جرایم می‌شود. تعریف مرزهای روشن، مالکیت یک فضا را تعریف می‌کند و بنابراین یک حس قلمرو و حس مکان ایجاد می‌کند. اصلی که نیومن در طراحی فضاهای قابل دفاع برای چندین پروژه به اجرا درآورد، به این صورت که با استفاده از دروازه‌ها، پرچین‌ها،

جدول ۱- شاخص‌های کالبدی مورد بررسی در فضاهای جمعی منتخب در محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران.

مؤلفه	معیار	شاخص	شرح
اندازه و فرم فضا	اندازه فضا	مقیاس فضا	دارا بودن مقیاس انسانی
		احساس ازدحام	تراکم جمعیتی مناسب (نه ازدحام نه خلوتی)
فرم فضا	قابلیت نمایانی فرم	قابل رویت بودن تمام اجزای فضای شهری (کف، بدنه، اجزای مستقر در فضا)	
		آلودگی نمادی	جهت‌یابی مناسب با علائم و نشانه‌ها
آسایش بصری و محیطی	آسایش بصری	آلودگی دیداری	هماهنگی نماها از نظر فرم، رنگ و نوع مصالح و خط آسمان
		آلودگی نور	نورپردازی مناسب فضا (نه تاریکی نه خیرگی)
	آسایش محیطی	آلودگی محیطی	تمیز بودن فضا (نبود زباله و کثیفی فضا)

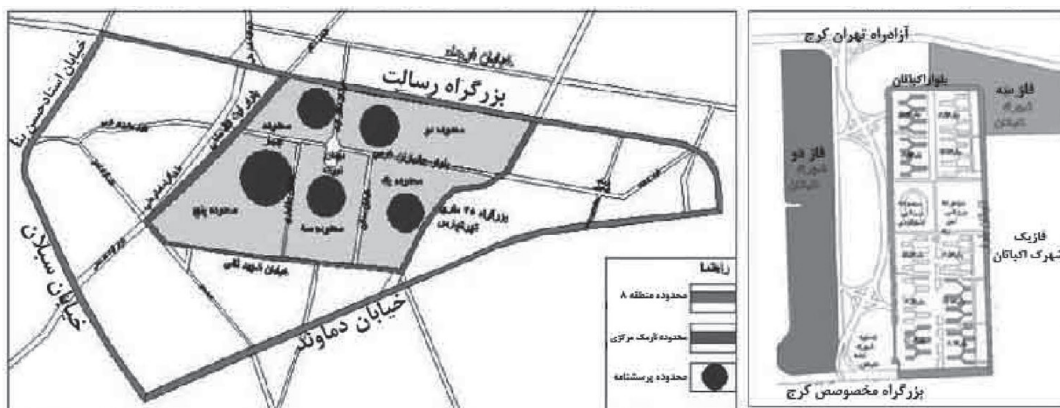
دوم - شهرک اکباتان: این شهرک که در منطقه ۵ شهرداری تهران قرار گرفته است، از جمله اولین مجموعه‌های مسکونی است که با هدف انبوه‌سازی مسکن برای اقشار متوسط (از نظر درآمد) جامعه ساخته شده است. جمعیت تقریبی آن ۳۵۰۰۰ نفر است و از سه فاز تشکیل شده است. محدوده مورد نظر این پژوهش فاز یک شهرک اکباتان می‌باشد که قدیمی‌ترین فاز آن است و شامل ده بلوک مشابه است.

جهت تکمیل پرسشنامه نهایی در دو نمونه موردی؛ محله نارمک مرکزی که در کل شامل ۷۵ میدان است؛ براساس وسعت و مرزبندی شبکه معابر اصلی به پنج قسمت تقریباً مساوی تقسیم شده؛ هر کدام از این پنج قسمت تقریباً شامل پانزده میدان می‌باشد که از میان آنها، سه میدان انتخاب شده است. در این انتخاب دو مؤلفه لحاظ شده است، نخست: ابعاد و اندازه میدان و دوم: نزدیکی و همجواری سه میدان (به دلیل محدودیت‌های زمانی برای تکمیل پرسشنامه) (تصویر ۱). در شهرک اکباتان که فاز یک آن در این پژوهش مدنظر است، ابتدا به طور تصادفی از میان ده بلوک، پنج بلوک (دو بلوک از سری A، دو بلوک از سری B و یک بلوک سری C) برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شده است (تصویر ۲). در نهایت با استفاده از فرمول محاسبه حجم نمونه کوکران، حجم نمونه مورد نیاز برای نمونه‌گیری در هر دو مجموعه برآورد شده است^۲. در ادامه براساس شاخص‌ها و نشانه‌ها و پیامدهای احساس امنیت، میزان احساس امنیت با استفاده از مقیاس‌های اسمی تعیین گردیده است (جدول ۲).

۵-۱ شاخص‌های احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی

براساس سه شاخص وجود آزار بصری، لسانی و فیزیکی برای زنان، احساس امنیت در میدان‌های محله نارمک و فضاهای باز بلوک‌های شهرک اکباتان مورد پرسش‌گری قرار گرفته است. مشاهدات و نتایج برآمده از این مطالعه در جدول ۳ نشان داده شده است. به نظر می‌رسد در مواجهه با آزارهای بصری، لسانی و فیزیکی، زنان ساکن در محله نارمک نسبت به زنان ساکن در شهرک اکباتان از امنیت نسبی بیشتری برخوردارند.

یک از نمونه‌ها به اختصار توضیح داده می‌شوند.
نخست - محله نارمک: برنامه‌ریزی، طراحی و احداث محله نارمک از اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰ آغاز گردید. هدف اولیه از احداث شهرک نارمک، ساخت خانه‌های ارزان قیمت برای گروه‌های کم‌درآمد بوده است. در دهه ۸۰، کالبد محله نارمک در اثر افزایش تراکم ساختمانی به شدت دچار دگرگونی گردید. با این حال شاید تنها عنصر کالبدی از نارمک که تحت‌تأثیر جریان‌های مختلف قرار نگرفته و همچنان در تطبیق کامل با طرح اولیه است؛ میدان‌های محله نارمک است (عزیزی، ۱۳۸۵، ۴۱). محله نارمک در منطقه هشت شهرداری تهران واقع شده و محل اسکان قشر متوسط جامعه است. جمعیت تقریبی این منطقه ۴۰۰۰۰ نفر می‌باشد که حدود ۱۰۰۰۰ نفر از این تعداد متعلق به ناحیه نارمک مرکزی است. این منطقه شامل سه ناحیه شهری (نارمک مرکزی و مجیدیه، تهرانپارس جنوبی و وحیدیه) است که در درون هر کدام از این نواحی محلات دیگری نیز قرار دارد.



تصویر ۲- جایگاه نارمک مرکزی در منطقه ۸ و محدوده توزیع پرسشنامه.



تصویر ۱- جایگاه فاز ۱ در شهرک اکباتان و محدوده توزیع پرسشنامه.

پرسش‌گری در میدان‌های محله نارمک و فضاهای باز بلوک‌های شهرک اکباتان، گواه بر این مدعا است که ساکنین محله نارمک بیش از ساکنین شهرک اکباتان از فضاهای عمومی موجود استفاده می‌کنند و این عامل باعث تقویت احساس امنیت در این محله شده است (جدول ۵).

جدول ۵- سنجش پیامدهای احساس امنیت زنان در نارمک و اکباتان.

پیامد احساس امنیت	خیلی زیاد (تقریباً هر روز)	زیاد (چند روز در هفته)	کم (کمتر از یک هفته ای یک بار)	خیلی کم (ماهی یکبار یا کمتر)	میزان استفاده از فضاها	
					نارمک	اکباتان
	۲۷.۳۳	۲۹	۲۶	۱۷.۶۷	۴۳.۶۴	۴۳
		۳۲		۶۸		

با توجه به نتایج حاصل از پرسش‌گری و مشاهدات میدانی براساس شاخص، نشانه و پیامدهای احساس امنیت، میانگین احساس امنیت زنان در بلوک‌ها و محدوده‌های شهرک اکباتان و محله نارمک در قیاس با هم در جدول ۶ نشان داده شده است. در نهایت می‌توان گفت که میدان‌های محله نارمک (با ۵۷٫۹۴٪) از فضاهای باز بلوک‌های شهرک اکباتان (با ۳۲٫۱۲٪) احساس امنیت نسبی بیشتری برای زنان ساکن در این محله فراهم می‌کند.

جدول ۶- مقایسه میانگین درصد احساس امنیت زنان در نارمک و اکباتان.

حوزه	بلوک‌ها و محدوده‌ها	میانگین درصد احساس امنیت زنان
شهرک اکباتان	بلوک A1	۱۸.۷۵
	بلوک C	۲۹.۳۷
	بلوک B1	۳۱.۲۵
	بلوک A4	۴۳.۷۵
	بلوک B4	۳۷.۵۰
	میانگین	۳۲.۱۲
محله نارمک	محدوده یک	۶۱.۲۵
	محدوده دو	۶۷.۸
	محدوده سه	۵۳.۱۸
	محدوده چهار	۵۳.۲۳
	محدوده پنج	۵۴.۹۵
	میانگین	۵۷.۹۴

۶- بررسی و تحلیل شاخص‌های کالبدی موثر بر احساس امنیت اجتماعی در محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران

۱-۶ مولفه‌ی اندازه و فرم فضا

۱-۱-۶ معیار اندازه‌ی فضا

براساس بررسی‌های صورت گرفته در میدان‌های منتخب

جدول ۲- شاخص‌ها، نشانه‌ها و پیامدهای احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضای شهری مورد استفاده در تنظیم پرسشنامه.

شاخص‌های احساس امنیت	نشانه‌های احساس امنیت	پیامدهای احساس امنیت
عدم وجود آزار بصری	حضور به تنهایی در فضای شهری	احساس آرامش، راحتی و آسایش از حضور در فضای شهری
	حضور به تنهایی در ساعات خلوت در فضای شهری	
عدم وجود آزار لسانی	دعوت کنندگی فضای شهری	استفاده‌ی مداوم از فضای شهری
عدم وجود آزار فیزیکی	اهمیت‌ندادن به جنسیت افراد استفاده کننده از فضای شهری	

جدول ۳- سنجش شاخص‌های احساس امنیت زنان در نارمک و اکباتان.

شاخص	زیاد و اغلب		به ندرت و کم		هیچ وقت	
	نارمک	اکباتان	نارمک	اکباتان	نارمک	اکباتان
وجود آزار بصری	۲۷.۶۷	۳۳	۴۸.۶۷	۴۶	۲۳.۶۶	۲۱
وجود آزار لسانی	۲۲.۳۳	۳۴	۴۷	۴۲	۳۰.۶۷	۲۴
وجود آزار فیزیکی	۰	۲	۲۷	۶۵	۷۳	۳۳

۵-۲ نشانه‌های احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی

از میان نشانه‌های احساس امنیت، میزان اهمیت جنسیت افراد استفاده‌کننده از فضا بر استفاده زنان که یکی از نشانه‌های مورد پرسش‌گری در این پژوهش است، در جدول ۴ نشان داده می‌شود. براساس نتایج حاصل از این مطالعه، زنان ساکن در شهرک اکباتان بیش از زنان ساکن در محله نارمک به جنسیت افراد استفاده‌کننده از فضاها اهمیت می‌دهند و این نشانه در افزایش احساس امنیت آنها نقش بسزایی دارد.

جدول ۴- سنجش درصد نشانه‌های احساس امنیت زنان در نارمک و اکباتان.

نشانه احساس امنیت		خیلی زیاد و زیاد	متوسط و کم
میزان اهمیت جنسیت افراد استفاده کننده از فضا بر استفاده زنان	میدان‌های محله نارمک	۳۴.۶۷	۶۵.۳۳
	فضاهای باز بلوک-های شهرک اکباتان	۵۸	۴۲

۵-۳ پیامدهای احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی

یکی از پیامدهای احساس امنیت در یک فضا، میزان استفاده افراد از آن فضا است. مشاهدات میدانی و نتایج حاصل از

کامل فضا را از خیابان‌ها و معابر عمومی جانبی به وجود آورده است. در حالی که بنابر مشاهدات چک لیست در فضاهای اکباتان، اختلاف سطح‌های افقی گوناگون در کف این فضاها (تاسیسات، موتورخانه، استخر و ...) موجب ایجاد فضاهایی فاقد دید بصری در کف شده است که فضاهای مذکور پتانسیل زیادی (خصوصاً در شب) برای کاهش احساس امنیت زنان استفاده‌کننده از این فضاها دارند.

برقراری ارتباط میان نتایج بررسی مولفه اندازه و فرم فضا در دو نمونه موردی با الگوهای دو مجموعه مسکونی (متعارف و بلند مرتبه) نشان می‌دهد در معیار اندازه فضا، الگوهای متفاوت تا حدی سبب بروز نتایج متفاوت در این دو مجموعه شده است. به عبارت دیگر در نارمک به خاطر الگوی متعارف این مجموعه مسکونی، از آنجا که بدنه‌های میدان‌دارای مقیاس انسانی است، لذا استفاده‌کننده، در فضا احساس آرامش می‌کند و ورودی و خروجی‌ها به فضا نیز مناسب‌اند. در حالی که فضاهای باز اکباتان به خاطر بدنه‌های صلب، بلند و پیوسته؛ به گونه‌ای دارای مقیاس غیرانسانی‌اند و استفاده‌کننده، در فضا احساس اضطراب می‌کند. از سوی دیگر از نظر تاثیر معیار فرم فضا بر احساس امنیت افراد در فضاهای مذکور در نارمک و اکباتان، الگوی دو مجموعه (متعارف و بلند مرتبه بودن مجموعه‌های مسکونی) تاثیری بر ویژگی‌های کالبدی فرم فضا ندارد و این مقوله بیشتر تحت تاثیر طراحی فرم کالبدی مجموعه‌ها است.

بنابر بررسی‌های صورت گرفته در معیار اندازه و فرم فضا، در کل به نظر می‌رسد ویژگی‌های فضاهای عمومی بررسی شده در نارمک همانند مقیاس انسانی فضا، بدنه‌های رو به میدان، قابلیت نمایانی فرم فضا و تراکم جمعیتی مناسب در فضا سبب می‌شود تا استفاده‌کننده به وضوح نظارت بر فضا را احساس کند همان مقوله‌ای که جاکوبز آن را چشمان خیابان می‌داند و این در حالی است که به نظر می‌رسد مقیاس غیرانسانی فضا، بدنه‌های صلب و خلوتی بیش از حد فضاهای عمومی در اکباتان سبب شده تا استفاده‌کننده نظارت بسیار کمی در اکباتان احساس کند و اصل نظارت طبیعی که در نظریه CPTED یاد شد، برآورده نشود. در نهایت می‌توان از بررسی این مولفه نتیجه گرفت الگوی دو مجموعه بر میزان تاثیر مولفه اندازه و فرم فضا بر احساس امنیت استفاده‌کنندگان از آن موثر بوده است ولی نه تا حدی که

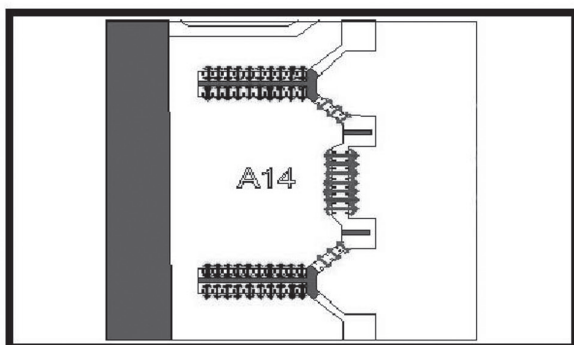
نارمک، حد و مرز فضا در این پنج میدان کاملاً قابل ادراک است به نحوی که بیننده در مواجهه با آنها کاملاً حد و مرز فضا را درک کرده و مسیرهای فرعی و پرتی مشاهده نمی‌کند. از طرف دیگر، ازدحام در این فضاها به گونه‌ای است که استفاده‌کننده از فضا نه دچار احساس ترس از خالی بودن فضا می‌شود، نه احساس عدم رعایت حریم شخصی و همواره فعالیت‌ها به صورت تقریباً مستمر در این فضاها جریان دارد (تصویر ۳). نتایج حاصل از تکمیل چک‌لیست‌ها در فضاهای باز بلوک A1 اکباتان حاکی از آن است که تعدد مسیرهای ارتباطی میان این فضاها موجب شده است فردی که برای اولین بار با این فضاها مواجه می‌شود، دچار نوعی سردرگمی شده به گونه‌ای که فضا را متخلخل احساس کرده و نمی‌تواند انسجام کافی را برای این فضاها تعریف کند. از طرف دیگر بنا بر مشاهدات صورت گرفته می‌توان ادعا کرد که استفاده‌ی ساکنین از فضاهای باز این بلوک کم است و در بسیاری از ساعات روز این فضاها بیش از حد خالی به نظر رسیده به گونه‌ای که ترس از خالی بودن فضا می‌تواند از موارد بسیار موثر در کاهش احساس امنیت استفاده‌کنندگان از این فضاها تلقی شود (تصویر ۴).

۲-۱-۶ معیار فرم فضا

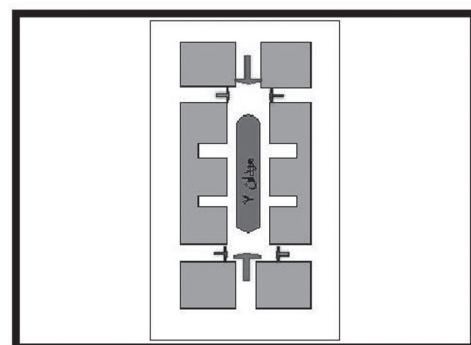
۲-۱-۶-۱ بدنه: بررسی‌های صورت گرفته در نمونه‌های موردی حاکی از آن است که در بدنه میدان‌های نارمک، اثری از کنج‌های پرت به چشم نمی‌خورد و بن‌بست‌های کوتاه و خوانا موجب شده تا بدنه این فضاها دارای قابلیت نمایانی مناسبی باشند (تصویر ۵).

از سوی دیگر در بدنه‌های فضاهای مورد بررسی در اکباتان شکاف‌هایی وجود دارد که امکان اختفای افراد سوءاستفاده‌کننده از فضا را فراهم کرده و موجب به وجود آمدن فضاهایی بدون رویت بصری در بدنه‌ها شده است. این شکاف‌ها پتانسیل بروز بسیاری از بزهکاری‌ها را دارند و در پایین آمدن احساس امنیت افراد استفاده‌کننده از فضاهای جمعی در این بلوک موثر واقع می‌شوند (تصویر ۶).

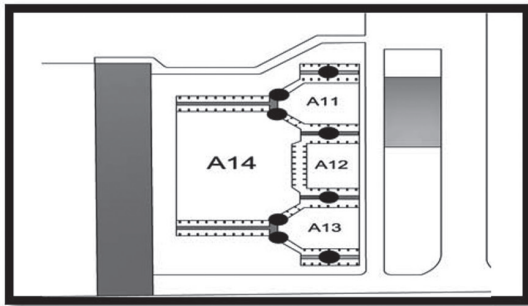
۲-۱-۶-۲ کف: بررسی‌ها در میدان‌های منتخب نارمک نشان می‌دهد در کف این فضاها هیچ‌گونه اختلاف سطح بارزی وجود نداشته و فرم کالبدی کف در این میداين امکان مشاهده



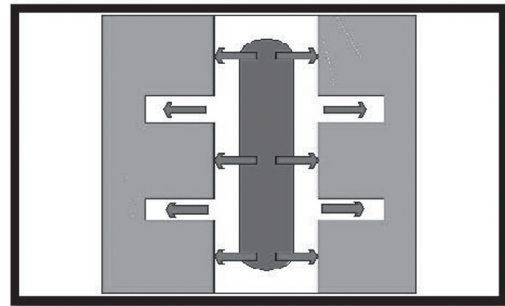
تصویر ۴- تعدد مسیرهای ارتباطی در بلوک A1 اکباتان.



تصویر ۳- مسیرهای ارتباطی مناسب در میدان ۷ نارمک.



تصویر ۶- شکاف‌های کاهنده قابلیت نمایشی بدنه‌ها در بلوک A1 اکباتان.



تصویر ۵- نمایشی مناسب بدنه‌ها در میدان ۷ نارمک.

برای بالابردن احساس امنیت بانوان استفاده‌کننده از فضا باشند. بررسی‌ها در اکباتان حاکی از آنست که آلودگی نمادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که به وضوح در این فضاهای منتخب به چشم می‌خورد. کمبود شدید نمادها و علائم در ورودی‌های بلوک‌ها و نبود نقشه‌های راهنما و مسیریابی در ورودی‌های این شهرک موجب شده تا مسیریابی در این شهرک به سختی صورت گیرد. از سوی دیگر مناسب نبودن فرم، نوع مصالح و چیدمان مبلمان شهری (خصوصاً نشستگاه‌ها) در این فضاها سبب شده که نه تنها مردم به استفاده از این فضاها جذب نشوند، بلکه نورپردازی نامناسب این فضاها سبب ایجاد فضاهایی بسیار تاریک در شب به عنوان بستر وقوع بسیاری از جرایم شده است. در مجموع، در فضاهای مذکور در شهرک اکباتان، کمبود علائم راهنما و مسیریابی، خوانا نبودن در فرم و عملکرد، یکنواختی موجود در بدنه‌ها و نیز نورپردازی نامناسب فضاها، موجب شده این فضاها نه تنها واجد ویژگی‌های مثبتی برای ارتقای احساس امنیت نباشند، بلکه در کاهش احساس امنیت زنان استفاده‌کننده از این فضاها موثر باشند.

۶-۲-۲ معیار آسایش محیطی

۶-۲-۲-۱ بدنه: وجود آلودگی‌های محیطی در بدنه‌های فضاهای جمعی زمینه‌ای را برای بزهکاران فراهم می‌کند. گواه این ادعا مشاهدات صورت‌گرفته در فضاهای منتخب در نارمک می‌باشد، به طوری که بدنه‌های غیرمتعارف، کثیف و دیوارنویسی شده در این محله وجود نداشته و بدنه‌های فضاها عاری از آلودگی محیطی می‌باشند و در حالیکه نکته بسیار مهم و جالب توجه در مشاهدات میدانی از بلوک A1 اکباتان، کثیفی بدنه‌های ساختمان‌های این بلوک است که نظر بیننده را به خود جلب کرده و به وضوح نمایان است. وضعیت پله‌های اضطراری در این فضاها به گونه‌ای است که بیننده احساس می‌کند قدم به فضایی متروک و رها شده گذاشته است. علاوه بر موارد مذکور، آنچه که در بدنه‌های این فضاها خودنمایی می‌کند و توجه هر بیننده را در ابتدای ورود به این فضاها به خود جلب می‌کند، دیوارنویسی‌های ناهنجار بر روی بدنه‌ها است. همانطور که ویلسون و کلینگ در نظریه پنجره‌های شکسته وجود آلودگی‌هایی از این قبیل در فضا را نشانه‌هایی از نبود کنترل و نظارت اجتماعی دانسته‌اند؛ ساکنان این بلوک نسبت به فضای زندگی خود حساسیت و نظارت کافی را نداشته و همین مقوله می‌تواند به مثابه چراغ سبزی برای

نقش کلیدی را ایفا کند، به طوری که متعارف و بلندمرتبه بودن یک مجموعه مسکونی به ترتیب موجب بالا و یا پایین بودن احساس امنیت در آن مجموعه شود.

۶-۲ مولفه آسایش بصری و محیطی

۶-۲-۱ معیار آسایش بصری

۶-۲-۱-۱ بدنه: بر مبنای مطالعات میدانی، انطباق تقریبی بدنه‌های میدان‌های نارمک با توقعات بیننده (تصور ذهنی مردم از خانه مسکونی) و هماهنگی نسبی میان بدنه‌ها (نوع و رنگ مصالح، تعداد طبقات و...) موجب شده تا بیننده فضا را واجد تناسبات بصری مطلوب و فاقد آلودگی دیداری ارزیابی کند و این در حالی است که در اکباتان کالبد فضاها با توجه به کارکردشان (مسکونی بودن) در انطباق با توقعات ذهنی مخاطب نمی‌باشند. به عبارت ساده‌تر، برای یک ایرانی که بار اول وارد شهرک اکباتان می‌شود فضا تا حدود زیادی منطبق با الگوهای ذهنی او از یک محیط مسکونی نیست؛ چرا که الگوی شهرک اکباتان (بلندمرتبه) تفاوت‌های اساسی با الگوی متداول مسکن سنتی ایرانی در محله‌های مسکونی (متعارف) دارد. از سوی دیگر تشابه کامل ساختمان‌های بلوک‌ها (نوع و رنگ مصالح، فرم کالبدی، تعداد طبقات و...) سبب شده تا فضاها مذکور خوانایی کالبدی مناسبی نداشته و آلودگی‌های دیداری موجب شود تا بیننده فضاها را واجد تناسبات بصری مطلوب ارزیابی نکند.

۶-۲-۱-۲ میلمان شهری (اثاثه شهری): در میدان‌های نارمک آلودگی نمادی که منجر به اختلال در مسیریابی و سردرگمی می‌شود، وجود ندارد و مسیریابی در آنها تقریباً به راحتی صورت می‌گیرد، زیرا در همه این میدان‌ها، نام میدان با تابلویی در ابتدا و انتهای میدان مشخص شده است و مسیرهای ورودی و خروجی به هر میدان به گونه‌ای است که با ورود به محوطه میدان، تابلوی میدان کاملاً مشخص است و اغلب مسیرهای فرعی دسترسی به جز ورودی‌های اصلی به میدان وجود ندارد و دور تا دور میدان‌ها را بن‌بست‌ها احاطه کرده‌اند. از طرف دیگر همانام بودن این مسیرها با شماره میدان‌ها، سبب خوانایی هرچه بیشتر میادین شده است. در این میادین نه تنها اثری از اغتشاشات بصری به چشم نمی‌خورد بلکه هماهنگی مناسبی میان نماها وجود داشته و نورپردازی مناسب در شب نیز موجب شده تا فضاهای منتخب در نارمک از نظر معیار آسایش بصری، واجد پتانسیل‌های مثبتی

تحت تاثیر الگوی شهرک اکباتان است این نیست که لزوماً الگوی بلندمرتبه موجب به وجود آمدن این ویژگی‌های منفی و کاهش احساس امنیت می‌شود، بلکه منظور آنست که این الگو پتانسیل به وجود آوردن بسیاری از نارسایی‌ها را دارد که طراحان باید با راهکارهای طراحانه خود از بروز این نارسایی‌ها جلوگیری کنند؛ چنانچه پیشگیری نشود درمان پرهزینه و پر خطر است.

۷- جمع‌بندی و ارائه راهکارهای طراحانه فضاهای شهری امن

امنیت از بنیادی‌ترین ارکان حیات هر فرد و جامعه است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسان و در ردیف آزادی است. منظور از احساس امنیت اجتماعی بعد روانی و ذهنی امنیت است که از حضور در فضاهای جمعی و تعامل با سایر افراد جامعه ناشی می‌شود و از آن جایی که یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در مقوله احساس امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی، زنان هستند؛ هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی فضاهای جمعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در دو مجموعه مسکونی با دو الگوی متفاوت (متعارف و بلندمرتبه) و بررسی میزان تاثیر الگوی دو مجموعه بر این رابطه بوده است. فرضیات پژوهش بر این استوار بوده که میان احساس امنیت اجتماعی زنان در محله نارمک و شهرک اکباتان تهران تفاوت معنی داری وجود دارد و یکی از مهم‌ترین عوامل این تفاوت؛ ویژگی‌های کالبدی متفاوت این فضاها است که الگوی دو مجموعه نیز بر این تفاوت ویژگی‌های کالبدی موثر بوده است. یافته‌های پژوهش تا حد زیادی فرضیات مذکور را مورد تایید قرار می‌دهند. نتایج بررسی چک لیست کالبدی در محله نارمک و شهرک اکباتان نشان می‌دهد که فضاهای جمعی در محله نارمک واجد شاخص‌های کالبدی موثر در کاهش موقعیت‌های مجرمانه نظیر مقیاس انسانی فضا، قابلیت نمایانی فرم فضا، آسایش بصری و محیطی و افزایش احساس امنیت اجتماعی است. این در حالی است که بررسی چک لیست در فضاهای جمعی شهرک اکباتان نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد و بر تاثیر شاخص‌های کالبدی این فضاها نظیر مقیاس غیر انسانی فضا، عدم قابلیت نمایانی فرم فضا، آلودگی بصری، آلودگی نمادی، آلودگی نور و آلودگی محیطی بر افزایش پتانسیل وقوع جرم و کاهش احساس امنیت در این فضاها صحه می‌گذارد.

از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد، تفاوت الگوی نارمک و اکباتان تا حدود زیادی بر نتایج متفاوت پژوهش در این دو مجموعه موثر بوده است و به عبارت ساده‌تر بلندمرتبه بودن اکباتان سبب ایجاد پتانسیل‌هایی برای وقوع جرایم و کاهش احساس امنیت برای زنان شده است. البته این بدان معنا نیست که صرفاً بلندمرتبه بودن یک مجموعه سبب کاهش احساس امنیت در آن شود، بلکه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌های

مجرمین و از عوامل موثر بر ایجاد موقعیت‌های مجرمانه و کاهش احساس امنیت در این فضاها تلقی شود.

۲-۲-۶ کف:

بررسی میدان‌های نارمک نشان می‌دهد اثری از آلودگی محیطی در کف (وجود مواد زاید جامد و فاضلاب و دیوارنویسی) این فضاها به چشم نمی‌خورد. که بر اساس اصل تعمیر و نگهداری نظریه CPTED؛ تعمیر و نگهداری مناسب فضاها مبین آن است که مردم چتر نظارت خود را بر این فضاها گسترده‌اند و فضا رها شده نمی‌باشد. بررسی‌های مشابه در فضاهای باز بلوک A۱ اکباتان، گویای آن است که فاضلاب و زباله‌های رها شده در کف فضا مشاهده نمی‌شود، اما مواردی اندک از آلودگی زباله در برخی فضاهای این بلوک وجود دارد و اختلاف سطح‌های موجود در کف به زباله‌دانی تبدیل شده که نشان از کوتاهی کارگران شهرداری در انجام وظایف خویش یا بی‌مسئولیتی ساکنین دارد. نکته جالب توجه در زمینه آلودگی کف در محوطه‌های این بلوک، نخست ضایعات ساختمانی رها شده در این فضاها است - در حالی که اثری از تعمیرات نیز به چشم نمی‌خورد - و دیگری دیوارنویسی‌های ناهنجاری است که در کف یا جداره برخی از فضاها شدیداً جلب نظر می‌کند و علت هر دو مورد نبود نظارت و کنترل کافی ساکنین است.

در جمع‌بندی از بررسی معیار آسایش محیطی در فضاهای منتخب در نارمک می‌توان ادعا کرد که این فضاها واجد آسایش محیطی هستند. همین از دلایلی است که موجب شده زنان احساس امنیت مناسبی به هنگام استفاده از این فضاها داشته باشند. در مورد شهرک اکباتان، کثیفی بدنه، کف، سقف و مبلمان شهری در این فضاها موجب شده تا معیار آسایش محیطی در آنها خدشه‌دار شده و پتانسیل‌هایی برای کاهش احساس امنیت زنان در این فضاها فراهم شود. در نهایت بررسی مولفه آسایش بصری و محیطی تحت چارچوب چک لیست در هر دو نمونه نارمک و اکباتان حاکی از آن است که ویژگی‌های کالبدی تحت عنوان این مولفه در نارمک بسیار موفق‌تر از اکباتان عمل کرده‌اند تا جایی که می‌توان مدعی شد فضاهای منتخب در نارمک نمونه‌ای از فضاهای واجد مولفه آسایش بصری و محیطی و فضاهای منتخب در اکباتان نمونه‌ای منفی از این مولفه هستند و همین تفاوت در ایجاد آسایش بصری و محیطی در فضاها از موارد بسیار مهم و تاثیرگذار در تفاوت احساس امنیت در این دو نمونه است.

بنابر نتایج مطالعات میدانی صورت‌گرفته؛ از عوامل بسیار کلیدی و موثر بر نارسایی این مولفه در اکباتان می‌تواند الگوی این مجموعه مسکونی باشد. بدین معنا که بلندمرتبه بودن این مجموعه بالا باشد و فضاهای باز متعلق به تعداد زیادی از افراد باشد. همین مقوله سبب شده است ساکنین احساس مسئولیتی نسبت به فضاهای باز محیط زندگی خود نداشته باشند چرا که احساس تعلق لازم را به این فضاها ندارند و به همین علت در قبال کثیفی بدنه‌ها، خرابی سقف‌ها، دیوارنویسی‌های ناهنجار و ... عکس‌العمل لازم را نشان نمی‌دهند. منظور از اینکه این مقوله

مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه نسبت به مجموعه‌های متعارف داشته باشد. براساس یافته‌های پژوهش حاضر ضوابط عام کالبدی برای بالا بردن احساس امنیت در مجموعه‌های مسکونی ارائه شده، که گزیده‌ای از این ضوابط در چارچوب معیارهای کالبدی مورد بررسی در این مقاله در جدول ذیل آمده است (جدول ۷).

مسکونی با الگوی بلندمرتبه نسبت به مجموعه‌های متعارف پتانسیل‌های بیشتری برای ایجاد فضاهای ناامن دارند و طراحی کالبدی این مجموعه‌ها نقش بسیار مهمی در بالا بردن احساس امنیت ساکنین این مجموعه‌ها ایفا می‌کند تا جایی که در نظر گرفتن ویژگی‌های کالبدی موثر بر کاهش موقعیت‌های جرم زاو افزایش احساس امنیت ساکنین باید همواره نقش پررنگ‌تر و کلیدی‌تری در

جدول ۷- ضوابط کالبدی پیشنهادی برای بالا بردن احساس امنیت در فضاهای جمعی مجموعه‌های مسکونی.

مؤلفه	معیار	شاخص	ضوابط عام پیشنهادی	نمونه نامناسب	نمونه مناسب
اندازه فضا	اندازه فضا	مقیاس فضا	۱. پرهیز از طراحی فضاهای فرعی و پرت در فضاهای عمومی ۲. طراحی مسیرهای ورودی و خروجی مناسب به فضاهای عمومی		
			۱. چیدمان مناسب مبلمان شهری جهت افزایش دعوت کنندگی فضاهای عمومی ۲. استفاده از فرم و مصالح مناسب مبلمان شهری جهت افزایش دعوت کنندگی فضاهای عمومی		
اندازه و فرم فضا	فرم فضا	قابلیت نمایی فرم	۱. پرهیز از طراحی پرها و برج‌های ماندن فضاهای خالی در فضاهای جمعی ۲. پرهیز از طراحی اختلاف سطح افقی نامناسب در کف فضاهای عمومی ۳. پرهیز از طراحی فضاهای L و U شکل نامناسب در فضاهای عمومی ۴. جانمایی مناسب مبلمان شهری در فضاهای عمومی به منظور افزایش قابلیت نمایی در فضا ۵. پرهیز از طراحی پوشش گیاهی نامناسب در فضا فضای منظور رویت پذیری همه جانبه فضا		
					
آسایش بصری و محیطی	آسایش بصری و محیطی	آلودگی نمادی	۱. خوانایی نشانه‌ها و علائم در فضاهای عمومی ۲. قراردادن نمادها و علائم کافی و مناسب در ورودی‌ها خروجی‌های فضاهای عمومی ۳. نشانه گذاری مسیرهای ارتباطی در فضاهای عمومی		
			۱. هماهنگی نوع و رنگ مصالح در بدنه‌های فضاهای جمعی ۲. هماهنگی تعداد طبقات و احجام ساختمانی در بدنه‌های فضاهای جمعی ۳. خوانایی در فرم کالبدی بدنه‌های فضاهای جمعی ۴. خوانایی کارکرد در اجزای کالبدی فضاهای جمعی		
آسایش محیطی	آسایش محیطی	آلودگی نور	۱. کمیت و کیفیت مناسب روشنایی‌ها در فضاهای جمعی ۲. جانمایی مناسب روشنایی‌ها در فضاهای جمعی		
			۱. بهداشتی بودن کانال‌های فاضلاب و تاسیسات در فضاهای عمومی ۲. طراحی و جانمایی مناسب سطل‌های زباله همگانی در فضاهای جمعی		

تشکر و قدردانی

از سرکار خانم‌ها مهندس نسیم طاهری، مهندس سمانه خسروانی‌نژاد، مهندس مرجان منتظری و جناب آقای مهندس هادی سعیدی رضوانی که با کمک‌ها و نکات ارزنده‌شان ما را در نگارش این مقاله یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، هویت شهر، شماره ۶، صص ۷۴-۶۳.

ساروخانی، باقر و نویدینیا، منیژه (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۲، صص ۱۰۸-۸۷.

صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.

عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، محله‌ی مسکونی پایدار (مطالعه موردی نارمک)، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۷، صص ۴۶-۳۵.

عزیزی، محمد مهدی و ملک محمد نژاد، صارم (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلند مرتبه)، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۲، صص ۳۸-۲۷.

علی آبادی، جواد (۱۳۸۱)، نقش فضاهای شهری در تامین امنیت اجتماعی، ماهنامه‌ی شهرداریها، شماره‌ی ۴۱، صص ۱۳-۵.

علیخواه، فردین و ربیعی، مریم (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۲، صص ۱۳۱-۱۰۹.

کارگر، بهمن (۱۳۸۳)، امنیت شهری، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

گلکار، کوروش (۱۳۸۶)، مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، صفا، شماره ۴۴، صص ۷۵-۶۶.

لینچ، کوین (۱۳۷۲)، سیمای شهر، منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران. مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۲، صص ۲۷-۱۱.

نیومن، اسکار (۱۳۸۷)، خلق فضاهای قابل دفاع، فائزه رواقی و کاوه صابر، طحان، تهران.

وولاند، جیک - وینترباتم، دانیل (۱۳۸۰)، شهر امن با نورپردازی، فریبرز بهروزفر، ماهنامه‌ی شهرداریها، شماره‌ی ۲۸، صص ۵۴-۵۰.

A.H. Maslow (1943), *A Theory of Human Motivation, Psychological Review*, 50(4), pp370-96.

Altas, Randall(1999), *Designing against terror:sit security planning and design criteria*, Architectural Graphic standards, altas safety&security Design.

Catton, William R.jr(1999) , *Sociology as an ecological science*,Wright , tomas.

Howard,Jhon (1999), *Fear of Crime*, Society of Alberta,www.elsevier.com

Perkins, D.D, A.Abraham, R.Richard, and B.Taylor (1993), *The physical Environment of street crime*, journal of *environmental psychology*, Vol 13, No 8.

Rapoport,Amos(1977), *Human Aspects of Urban Form*,New York, PergamoPress.

Robinson, Matthew (1996), *the theoretical of CPTED 25 years of Responses to .Ray Jeffry*, edited by: William laufer and Freda Adler, Appalachian state university Department of political science and criminal justice.

Stanko, Elizabeth, (1992), *the case of fearful women: Gender, Personal safety and fear of crime*, Women and criminal justice.

Wekerle and whitzman ,(1995), *Safe Cities (guidelines for planning, Design and Management)*, Van Nosttrad Reinhold.

1 E.stanko.

۲ یافته‌های پژوهشی که با عنوان زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری در سال ۱۳۸۴ به سفارش دفتر امور زنان وزارت کشور انجام شده است.

۳ پژوهشی با عنوان عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری.

۴ پژوهشی با عنوان مفهوم کیفیت سرزندگی در فضاهای شهری.

5 Park, Robert.

6 Jacobs, Jane.

7 Eyes on the Street.

8 Jeffery,C.Ray.

9 Crime prevention through environmental design.

10 Quality of life.

11 Wood, Elizabeth.

12 Angel,Schomo.

13 Clark, William Ramsey.

14 Situation Crime Prevention.

15 Wilson , Kelling.

16 Broken Windows Theory.

17 Taylor.

18 Mumford.

19 Collins.

۲۰ حجم نمونه در محله نارمک با استفاده از فرمول کوکران تقریباً ۳۰۰ نفر و در شهرک اکباتان ۱۰۰ نفر برآورد شد. از آنجایی که هر دو نمونه از نظر تراکم جمعیتی تقریباً همگن هستند، حجم نمونه بدست آمده بر قسمت‌های در نظر گرفته شده تقسیم و در هر قسمت نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفته است. در محله نارمک در هر کدام از پنج قسمت تقریباً ۶۰ پرسشنامه پر شد که این تعداد نیز به نسبت اندازه، میان سه میدان تقسیم شد. در شهرک اکباتان نیز ۱۰۰ پرسشنامه میان پنج بلوک توزیع و در هر بلوک ۲۰ پرسشنامه پر شد.

فهرست منابع

ایرمانتش، نسیم (۱۳۸۴)، استفاده از اصول جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی و بررسی اجمالی آن در ایران، ماهنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۰، صص ۲۳-۱۶.

بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۶)، فرایند طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، شهیدی، تهران.

پودراتچی، مصطفی (۱۳۷۳)، فضاهای بدون دفاع شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

تولایی، نوین (۱۳۷۹)، شکل شهر منسجم؛ مطالعه انسجام کالبدی شهر در اندیشه و عمل، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، تهران.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، دانشگاه تهران.

حشمتی، محمد (۱۳۸۴)، تاثیر طراحی شهری در پیشگیری و کاهش جرایم و ناهنجاری‌ها، صفا، شماره‌ی ۴۱، صص ۸۹-۸۲.